انعکاس قول مشهور راجع به تواتر قرائات در کلام شیخ انصاری

رسائل ج۱ص۱۵۷ را ببینید؛

> أنه إذا اختلفت القراءة في الكتاب على وجهين مختلفين في المؤدى، كما في قوله تعالى: * (حتى يطهرن) *، حيث قرئ بالتشديد من التطهر الظاهر في الاغتسال، وبالتخفيف من الطهارة الظاهرة في النقاء من الحيض، فلا يخلو: إما أن نقول بتواتر القراءات كلها كما هو المشهور، خصوصا في ما كان الاختلاف في المادة، وإما أن لا نقول كما هو مذهب جماعةفعلى الأول: فهما بمنزلة آيتين تعارضتا، لا بد من الجمع بينهما بحمل الظاهر على النص أو على الأظهر، ومع التكافؤ لا بد من الحكم بالتوقف والرجوع إلى غيرهما[1]

«أنه إذا اختلفت القراءة في الكتاب على وجهين مختلفين في المؤدى، كما في قوله تعالى: * (حتى يطهرن) *، حيث قرئ بالتشديد من التطهر الظاهر في الاغتسال، وبالتخفيف من الطهارة الظاهرة في النقاء من الحيض»؛ ادبیات شیخ را نگاه کنید؛ وقتی دو قرائت شد چه کار کنیم؟ این عبارت رسائل ذهن ما را به قبل از قرن دهم و فضای که بپا شد میبرد. یک دفعه در زمان فیض و محدثین در قرن دهم گفتند نمیدانیم اصحاب ما چه کار کردهاند. معصومین در گوش ما میگویند که حرف واحد، کذبوا اعداء الله، اینها مدام میگویند اجماع و کلٌ نزل به روح الامین. خب چرا حرف معصومین را نگاه نمیکنید؟! لذا وحید فرمودند عندنا حرف واحد. این فضا خیلی عجیب است. حالا ببینید! مرحوم شیخ در اینجا ما را قبل از فضای این اخباریین میبرد. قبل از زمان فیض میبرد. میگویند بیشتر از دو حال نداریم؛

«فلا يخلو: إما أن نقول بتواتر القراءات كلها كما هو المشهور»؛ ما چقدر معطل شدیم تا ببینیم اینکه علامه و شهید میگویند تواتر القرائات، به چه معنا است. تواتر یعنی تواتر. تا اینکه به عبارت صاحب وسائل رسیدم که خندیده بودند. گفتند خندهدار است که بگوییم تواتر به اینها میرسد. اینها چه کسانی هستند که تواترشان ارزش داشته باشد! آدمهایی هستند که خودشان اجتهاد کردهاند. تواتر اینها که اصلاً فایده ندارد. این اولین جایی بود که دیدم. صاحب وسائل کتابی دارند به نام تواتر القرآن. ایشان اولین بار بودند که دیدم گفته بودند. الآن دیگر در ذهن من کالشمس است که مقصود اینها از تواتر، تواتر الی رسول الله است. همانی که شهید ثانی تصریح کردند. اگر هم خواستید ببینید شواهد را در «هفوة من عظيم» در فدکیه ذکر کردهام.

شاهد عرض من همینجا است. یعنی ببینید که برای علامه انصاری واضح است که اگر تواتر میگوییم همان حرف قبل شهید است: **«إما أن نقول بتواتر القراءات كلها كما هو المشهورخصوصا في ما كان الاختلاف في المادة، وإما أن لا نقول كما هو مذهب جماعة»؛** جماعتی که در کتاب الصلاة گفتهاند.

«فعلى الأول»؛ اگر به تواتر قرائات قائل هستیم،**«فهما بمنزلة آيتين تعارضتا»**؛ دو آیه هستند،**«لا بد من الجمع بينهما بحمل الظاهر على النص أو على الأظهر، ومع التكافؤ لا بد من الحكم بالتوقف والرجوع إلى غيرهما»؛** چون دو آیه هستند.

این مطلب را که فرمودند در صفحه ۲۲۸ با عبارت احترام آمیزی با شهید اول برخورد میکنند. این را که امروز گفتم برای این است: این جزوهای را که شروع به خواندن کردیم یادتان هست که در آن جا مقدس اردبیلی و صاحب مدارک حرف شهید ثانی و محقق ثانی را در کردند؟ آن دو بزرگ گفتند که ما به گفته شهید اعتناء میکنیم. محقق اردبیلی گفتند نه، هر هفت تای آنها تواتر است بالخلاف. اما نسبت به عشر باید یقین داشته باشیم. ادعای شهید که برای ما فایدهای ندارد. یادتان هست که اینها را خواندیم؟ در آن جا یادم نبود که به این جای رسائل آدرس بدهیم. حالا شما یادداشت کنید.

رسائل جلد اول، صفحه ۲۲۸ بود. مرحوم شهید به اشکال محقق و صاحب مدارک میگویند «فيه النظر». یعنی اعتناء به حرف شهید را غلبه میدهند. ادبیاتشان این است. ولو بحث علمی است. خیلی جالب است.

> ومن هنا يعلم: أن الحكم بوجوب القراءة في الصلاة إن كان منوطا بكون المقروء قرآنا واقعيا قرأه النبي (صلى الله عليه وآله)، فلا إشكال في جواز الاعتماد على إخبار الشهيد (رحمه الله) بتواتر القراءات الثلاث، أعني قراءة أبي جعفر وأخويه، لكن بالشرط المتقدم، وهو كون ما أخبر به الشهيد من التواتر ملزوما عادة لتحقق القرآنية.وكذا لا إشكال في الاعتماد من دون شرط إن كان الحكم منوطا بالقرآن المتواتر في الجملة، فإنه قد ثبت تواتر تلك القراءات عند الشهيد بإخباره.وإن كان الحكم معلقا على القرآن المتواتر عند القارئ أو مجتهده، فلا يجدي إخبار الشهيد بتواتر تلك القراءات.
>
> وإلى أحد الأولين نظر حكم المحقق والشهيد الثانيين بجواز القراءة بتلك القراءات، مستندا إلى أن الشهيد والعلامة (قدس سرهما) قد ادعيا تواترها وأن هذا لا يقصر عن نقل الإجماع.وإلى الثالث نظر صاحب المدارك وشيخه المقدس الأردبيلي (قدس سرهما)، حيث اعترضا على المحقق والشهيد: بأن هذا رجوع عن اشتراط التواتر في القراءة.ولا يخلو نظرهما عن نظر، فتدبر.[۲]

«ومن هنا يعلم: أن الحكم بوجوب القراءة في الصلاة إن كان منوطا بكون المقروء قرآنا واقعيا قرأه النبي (صلى الله عليه وآله)، فلا إشكال في جواز الاعتماد على إخبار الشهيد (رحمه الله) بتواتر القراءات الثلاث»؛ وقتی شهید اخبار کردهاند، حضرت همه آنها را خواندهاند. هر ده قرائت برای حضرت است.**«أعني قراءة أبي جعفر وأخويه، لكن بالشرط المتقدم»**؛ بحث کرده اند، نگاه کنید؛ شرطش چیست؟ اینکه وقتی شهید میگویند **«وهو كون ما أخبر به الشهيد من التواتر ملزوما عادة لتحقق القرآنية»**.

«وكذا لا إشكال في الاعتماد من دون شرط إن كان الحكم منوطا بالقرآن المتواتر في الجملة، فإنه قد ثبت تواتر تلك القراءات عند الشهيد بإخباره»؛ یعنی شهید می‌گوید که من می‌دانم. **«وإن كان الحكم معلقا على القرآن المتواتر عند القارئ أو مجتهده، فلا يجدي إخبار الشهيد بتواتر تلك القراءات»**.

«وإلى أحد الأولين»؛ سه وجه کرده‌اند. خیلی زیبا است. می‌گویند شهید ثانی و محقق ثانی سراغ تأیید حرف شهید اول رفته‌اند.

«وإلى الثالث نظر صاحب المدارك وشيخه المقدس الأردبيلي (قدس سرهما)، حيث اعترضا على المحقق والشهيد: بأن هذا رجوع عن اشتراط التواتر في القراءة. ولا يخلو نظرهما عن نظر، فتدبر»؛ اشکالی که آن‌ها داشتند را مرحوم شیخ نمی‌پذیرند. در اینجا هم جالب است. علی ای حال ببینید این ادبیات شیخ ذهن ما را علی المشهور مانوس می‌کند. مشهور فقهایی که ادعای این اجماعات را داشتند.

عبارت صاحب مفتاح الکرامه واقعاً عجیب است. شوخی نیست، محققی مثل ایشان چه گفتند؟

> و ليعلم أنّ هذه السبع إن لم تكن متواترة إلينا كما ظنّ لكن قد تواتر إلينا نقل الإجماع على تواترها فيحصل لنا بذلك القطع[۳]

اینها عبارات کمی نیست. ولی ما کاری به این عبارات نداریم. می‌خواهم بگویم همه تلاش ما این است که ذهنیتی که از قرن یازدهم شده و بعداً هم متأسفانه مدام همین پیدا کرده را از بین ببریم و به قبل از قرن یازدهم برویم. کتابها را تجسس کنیم.

عرض الآن من این است: در «غیر انهم اجمعوا»، این «اجمعوا» شیعه هستند. ولی به فهم اینکه این اجماع مماشات است، تقیه است ای جواز واقعی است، خود علماء شیعه هستند. لذا باید به زمان شیخی که این «اجمعوا» را گفته برویم و ببینیم چه گفته‌اند. علماء «مذهبان» را چه گفته‌اند. بعد علامه چه کار کرده‌اند. من الآن نرسیده ام عرض کنم . همچنین ببینیم خود شیخ در تبیان چه کرده‌اند؟

---

[1]فرائد الأصول ج ۱ ص۱۵۷

[2]همان۲۲۸

[3]مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسین) ج۷ ص ۲۱۲

بازبینی #2
ایجاد شده 16 آوریل 2024 14:30:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 13:00:49 توسط ... .